روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲ • ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ • ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۵۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۴
اذان صبح فردا ۴:۳۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنامه شرق

• ماه مهر فصل درس و مشق و مدرسه از راه رسیده است و دانش‌آموزان سال تحصیلی جدید را در سراسر کشور آغاز کرده‌اند. اغلب روز اول مدرسه و سال تحصیلی جدید فرصتی دوباره برای دیدن دوستان قدیمی است و با معرفی معلم و برنامه‌های او برای ادامه سال شروع می‌شود. عکس: پوریا ترابی، ایرنا

دیالوگ روز

امتیاز نهایی- وودی آلن - ۲۰۰۵

نولاریس (اسکارلت جوهانسون): آدما از اینکه با شرایطی مواجه بشن که شانس تأثیر زیادی در زندگی داره واهمه دارن. فکر اینکه خیلی از چیزها از کنترل آدم خارجه وحشتناکه.
در یه مسابقه لحظاتی هست که توپ به تور برخورد می‌کنه با یه مقدار شانس میره جلو و برنده میشی یا شاید برگرده عقب و بازنده بشی.

نشانه‌خوانی

افراشتن و به زیر کشیدن دیوارنگاره

پویا نعمت‌اللهی
دکترای علوم ارتباطات

دیوارنگاره میدان ولیعصر یکی از رسانه‌های مهم حاکمیتی است. تلاش صاحبان این رسانه بر این است که پیام‌های خود را به دور از دوقطبی‌های سیاسی به جامعه منتقل کنند. به همین خاطر فهم این پیام‌ها می‌تواند در شناخت ذهنیت سیاست‌گذاری‌های کلان اجرائی کشور مفید باشد. اما موضوع پایین‌کشیدن این دیوارنگاره نیز در نوع خود تأمل‌انگیز است. در این دیوارنگاره مانند هر پیام دیگر با چند لایه مواجه بودیم.

اولین لایه به شکل «نوشتاری» جلب توجه می‌کرد. ابتدا کلمه «املاک» و دیگری پیام اصلی با فونت کوچک‌تر و در قالب یک جمله «بانک‌ها غلط می‌کنند با پول مردم بنگاه‌داری کنند» مشاهده می‌شود. در آن تصویر، شعبه «بانک» تبدیل به یک بنگاه معاملات ملکی شده بود؛ گویی هویت بانک به هویتی غیرمولد تبدیل شده است. کلمات «خرید، فروش، رهن و اجاره» عملا جای هیچ شبهه‌ای را برای الصاق «بنگاه‌داری» به معاملات املاک باقی نمی‌گذارد. اکنون دیوارنگاره به‌طور غیرمستقیم وضعیت غم‌انگیز مسکن در شهرها را به فعالیت بانک‌ها مرتبط می‌داند. ضمن اینکه ترکیب دو کلمه «بانک» و «ملاک» با استفاده از هشتگ نیز هوشمندانه بود که ناظر بر نوعی تفاخر و معروفیت عمدی در نسبت و پیوند بین بنگاه‌داری و فعالیت بانکی است. از سوی دیگر، تعدادی نشانه تصویری دیده می‌شود که در نگاه اول گویا شبیه لوگوی بانک‌های کشور هستند، ولی به‌طور مشخص با تعدادی نقوش گرافیکی روبه‌رو بودیم که فقط از مؤلفه شباهت با لوگوی واقعی بانک‌ها برخوردار بودند. اما این دیوارنگاره چند روز بعد از برافراشته‌شدن، ناگهان پایین کشیده می‌شود. در برخی خبرها ذکر شده که متولیان برپایی این دیوارنگاره از هرگونه اظهارنظر در این زمینه منع شده‌اند. اکنون آن اهتزاز و این به زیر آمدن را چگونه می‌توان فهمید؟ برای پاسخ به این پرسش شاید چند انگاره ذهنی کمک کند. اول آنکه طبیعی خواهد بود که بخش بانکی بزرگ‌ترین شاکی چنین دیوارنگاره‌ای باشد. در این تصویر وقتی آن همه لوگوی بانک‌ها به نمایش درمی‌آید، طبعا همه بانک‌ها در مظان اتهام بنگاه‌داری قرار می‌گیرند. این منصفانه نبود که تمامیت مهم‌ترین بخش مالی در اقتصاد کشور این‌چنین در معرض چالش بدنامی قرار داده شود. دوم آنکه هرچند ممکن است بانک‌ها وارد چنین فعالیت‌هایی شده باشند، اما نمی‌توان بار تمامی معضلات مسکن در کشور را گردن این بخش انداخت. بخش‌های گوناگونی در حوزه‌های دولتی و غیردولتی نظیر شهرداری‌ها، وزارت راه و شهرسازی، سوداگران مسکن و خیلی مؤلفه‌های دیگر در این زمینه صاحب تقصیر هستند و شایسته بود که یک رسانه حاکمیتی (مثل دیوارنگاره میدان ولیعصر) سهم آنها را نیز بازنمایی می‌کرد. سوم آنکه فعالیت بنگاه‌داری در حوزه علوم اقتصادی تعریف مشخصی دارد که الزاما ارتباطی با معاملات املاک ندارد. به‌طور کلی بنگاه‌داری در تعریف خیلی ساده ناظر بر خرید سهام و مشارکت در سرمایه‌گذاری یک یا چند شرکت و خریداری اوراق بهادار به حساب خود به میزانی در محدوده تعیین‌شده بانک مرکزی اطلاق می‌شود. دیوارنگاره رسانه مهم و تخصصی به شمار می‌رود و بنابراین هرچند تلاش کرده به «بنگاه‌داری» به‌مثابه «معاملات املاک» اشاره کند، اما در نظر اهل فن می‌بایستی دایره دقیق‌تری از واژگان را به کار ببرد تا تمایز مذکور موجب خلط معانی نشود. چهارم آنکه مقام معظم رهبری همواره حامی تمامی بخش‌های بزرگ و کوچک اقتصادی کشور هستند. مشخصا هیچ‌گونه فعالیتی در این بخش‌ها بدون نقش‌آفرینی بانک‌ها نمی‌تواند وجود داشته باشد. البته بدون تردید کاستی‌های متعددی هم حاکم است، ولی نباید فراموش کرد که بخش‌های بزرگی از تحریم‌ها علیه کشور دقیقا بخش بانکی را هدف گرفته و حرکت چرخ‌های اقتصاد کشور صرفا با تلاش و کوشش طاقت‌فرسای مدیران و کارکنان بانک‌های کشور انجام می‌شود.

به همین خاطر هرگونه لحن عتاب‌آمیز خطاب به بخش بانکی نباید به‌عنوان گفتار ملامت‌گر و خشم‌آلود محسوب شود. طراحان دیوارنگاره باید گرافیک اثر را به شیوه‌ای تمهید می‌کردند که بازنمایی سخنان معظم‌له ناظر بر سرزنش نبوده و بلکه نوعی هشدار و ارائه طریق باشد.

در عین حال، باید به وجوه مثبت دیوارنگاره هم اشاره کرد. این دیوارنگاره حامل یک پیام بزرگ بود. موضوع مسکن و کرایه خانه برای بسیاری از شهروندان به بزرگ‌ترین دغدغه اقتصادی و اجتماعی بدل شده است. اکنون درواقع مذاکره‌ای بین دو حس عمومی «بیم» و «امید» در ذهن زاییده می‌شود؛ حس توأمان اضطراب و آرزو یکباره پررنگ‌تر می‌شود. در اینجا توقع و انتظار به صورت بارقه‌های امیدواری و چشمداشت در نزد مردم زنده می‌شود مبنی بر اینکه بزرگ‌ترین مقام کشور در این دغدغه شریک است. این احتمالا همان پیامی بوده که طراحان در سر داشته‌اند.

تبعیض و ظرفیت‌های پزشکی

بابک زمانی
نورولوژیست

خبر رسید که امسال ۳۰ درصد ظرفیت‌های دستیاری پزشکی خالی مانده است. معنای آن این است که اشتیاق برای ادامه تحصیل پزشکی در کشور همچنان رو به کاهش است. پزشکان بعضا ترجیح می‌دهند یا مهاجرت کنند یا کار پزشکی را رها کنند. پزشکان دستیار مهم‌ترین منابع رایگان دولت و وزارت بهداشت برای نیازهای درمانی در کشور هستند.

تنها به مددکار این گروه از پزشکان است که وزارت بهداشت می‌تواند با کمترین منابع مالی که با تنگدستی و خساست در اختیار سیستم سلامت قرار می‌گیرد، «علی‌الظاهر» نیازهای سلامت را رفع و رجوع کند. بنابراین تداوم این وضعیت بیش از هر نهاد دیگری باید مایه نگرانی خود وزارت بهداشت باشد. عیبی ندارد بسیاری از پزشکان می‌روند، اما فردا روز وزارت فخیمه‌ای که نه به مدد نهادهای خودکفای سلامت نه بر اساس قوانین علم اقتصاد که با شیوه‌ای غیرعلمی امروز را به فردا می‌رساند، چه خواهد کرد؟ این بدترین خبر نبود؛ خبر بدتر اینکه بخش مهم‌تر قبول‌شدگان (حدود دوسوم) را کسانی تشکیل می‌دهند که از نوعی سهمیه استفاده کرده‌اند و در نتیجه رقابتی به‌مراتب ساده‌تر را پشت سر گذاشته‌اند. یعنی اگر شما از نوعی سهمیه استفاده نکنید، باید برای صندلی‌هایی به‌مراتب کمتر وارد رقابت شوید. امتحان‌دادن بدون هیچ تعین و وابستگی خاصی، کاری به‌مراتب دشوارتر و طاقت‌فرساتر خواهد بود. آشکار است کسانی که از رقابتی سنگین‌تر بیرون می‌آیند هم از لحاظ علمی و هم از لحاظ شخصیتی توانایی‌های بیشتری دارند؛ بنابراین این محدودیت مستقیما به کیفیت سلامت مردم هم ربط پیدا می‌کند. اما باز هم این بدترین خبر نیست؛ خبر تکان‌دهنده آن است که در رشته‌هایی که با وجود اهمیت حیاتی آنها در کار سلامت درآمدزایی چندانی ندارند، قبولی داوطلبان آزاد به‌مراتب بیش از رشته‌هایی است که به‌اصطلاح پول‌ساز به حساب می‌آیند. اینجاست که پرده‌های امیال از پوشش رفتارها فرومی‌ریزند و معلوم می‌شود چیزی جز مطامع حقیر مادی مدنظر نیست. اما بر دو نکته باید تاکید کرد:

اول آنکه برخی مسئولان باید اطمینان داشته باشند با تمام تلاش‌های شبانه‌روزی‌شان قادر به کوچ‌دادن همه پزشکان به خارج از کشور نخواهند شد. جامعه پزشکی هیچ‌گاه به‌طور کامل جا خالی نخواهد کرد و منافع مردم و مسئولیت اجتماعی خود را به بادهایی که می‌وزند تا کار طب را به‌طور کامل به منادیان شبه‌علم بسپارند، نخواهند سپرد. خیر با وجود موج‌های فزاینده مهاجرت پزشکان که قطعا مطلوب عده‌ای است، جامعه پزشکی ایران به تمامی وانخواهد داد.

دوم، پزشکانی که با سهمیه قبول می‌شوند، بخشی از همین مردم هستند و به‌طور طبیعی از هر امکانی که فراهم بیاید استفاده می‌کنند و شاید تقصیری هم متوجه ایشان نباشد؛ اما اگر مقصود از سهمیه، ماندگاری بیشتر ایشان در مناطقی است که سهمیه آنجا به حساب می‌آیند، این خیال باطلی بیش نیست. تجربه نشان داده است که چنین پایبندی‌ای نه مقدور است و نه حتی مطلوب. مردم ایران حق دارند از خدمات پزشکانی استفاده کنند که عقل و منطق باعث ماندگاری‌شان در هر منطقه شده نه اجبار! تجربه هم نشان داده است که چنین پایبندی‌ای هیچ‌گاه رخ نداده. پزشکان سهمیه‌ای هم در باطن خود بخشی از همین جامعه پزشکی هستند و خواهند بود. جریان غالب عقل‌گرایی است و پزشکان سهمیه‌ای هم جانب دانش را رها نخواهند کرد. تجربه نشان داده است که اکثر ایشان در اعتراض به چنین روندهایی همراه جامعه پزشکی بوده‌اند. خالص‌سازی در همه زمینه‌ها سرابی بیش نیست.

تحلیل‌خوانی

به بهانه دویدن دنبال اتوبوس کریس رونالدو

گوهر نایاب توسعه

علیرضا کنگرلو*

توسعه یک فرایند است؛ یک پروسه همه‌جانبه؛ درختی است که از رشد نمی‌ایستد، نیاز به مراقبت و برنامه‌ریزی، هزینه و سرمایه‌گذاری دارد؛ اما همان‌طور که پیش می‌رود و سایه‌افکن می‌شود، بار و برش همه بخش‌های جامعه را منتفع می‌کند؛ از صنعت و کشاورزی تا فرهنگ و ورزش و... . نمی‌شود جامعه توسعه‌یافته‌ای را در پهنه عالم پیدا کرد که صنعتش سر به آسمان بساید، اما ورزش آن مهجور و عزلت‌نشین باشد. «بنیان» و «شالوده» توسعه، اظهرمن‌الشمس است. اینکه فلان کشور هاب ترانزیت جهان می‌شود، یکباره رخ نداده و پایه‌های آن سال‌ها پیش در فرایند توسعه نهاده شده و نگاه غالب سرمایه‌گذاری، زیرساخت‌های لجستیکی آن را فراهم کرده است. یا اینکه فلان کشور قطب نساجی جهان شده و از پنبه و نخ و پارچه، اقتصادش را می‌گرداند، حاصل برنامه‌ای کوتاه‌مدت نیست؛ این مهم در پس چشم‌اندازی بلندمدت به نام توسعه فراهم آمده که با لوکوموتیو سرمایه‌گذاری به پیش می‌رود. از این دست مثال‌ها بسیار می‌توان زد و در همسایگی خودمان هم کشورهای بسیاری همچون امارات، قطر یا عربستان و عمان، این مسیر را پیموده یا در حال طی طریق‌اند. اما آنچه بهانه‌ای شد تا باب این مباحثه در قالب نوشتار حاضر باز شود و تکرار مکررات کنیم، سفر هفته گذشته تیم فوتبال النصر عربستان به ایران بود. تیم فوتبال النصر عربستان به همراه ستاره‌هایش ازجمله کریستیانو رونالدو برای دیدار با پرسپولیس به ایران سفر کرد و در شرایطی که کمتر از ۴۸ ساعت در ایران بودند، نه‌تنها بازتاب این حضور به صدر اخبار ایران رسید بلکه تیتر اول بسیاری از رسانه‌های جهان شد. تصاویری که از حضور این تیم عربستانی در ایران روی خروجی رسانه‌های داخلی و خارجی قرار گرفت، فراتر از آنکه نمایانگر حضور یک فوق‌ستاره ورزشی باشد، حاکی از تقابل فرایند توسعه در دو کشور میزبان و میهمان بود. یکی به پشتوانه منابع نفتی، سرمایه‌گذاری توسعه‌ای را در اولویت قرار داده و با سرمایه‌گذاری همان منابع، نگاه‌های جهانی را به این کشور دگرگون کرده؛ چنان‌که امروز همه جهان، عربستان را به خوبی می‌شناسند و می‌دانند عربستان فقط «نفت» و «حج» نیست. امروز جهان، تصویری متفاوت از عربستان دارد؛ به عنوان کشوری که اقتصادش رو به صعود است و در حال تبدیل به مقصدی جذاب برای زندگی، سفر، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی. در دیگر سوی، ایران قرار دارد؛ کشوری که آنچه روی خروجی رسانه‌ها از آن به نمایش درآمد و تصاویری که مخابره شد، مردمش در حسرت یک ستاره فوتبال می‌سوزند؛ مردمی برای دیدنش ساعت‌ها در خیابان به دنبال اتوبوس می‌دوند، در نامتمدنانه‌ترین حالت از تپه بالا رفته و به هتل حمله می‌کنند تا غنیمتی از دیدار با رونالدو با خود ببرند. البته این ولع و عطش مختص عامه مردم نیست و مدیران و خواص‌الناس هم برای انداختن عکس یادگاری با تیم عربستانی سر و دست می‌شکنند. مدیریت این رخداد ورزشی هم پازل فاجعه را تکمیل کرده و در نهایت، تیم متمول عربستانی از ایران می‌رود با نیشخند به آنانی که دنبال اتوبوس می‌دوند و به میزبانی که مهم‌ترین ورزشگاهش توان برگزاری یک مسابقه مهم را ندارد. حال پرسش اینجاست که چه پروسه‌ای رخ داده که حضور و زندگی این ستاره‌ها در عربستان به روال معمول زندگی مردم این کشور بدل شده و در ایران، چالشی ۴۰ساعته می‌شود که نظم زندگی را بر هم می‌ریزد؟ بدون تردید پاسخ این چالش را باید در مفهوم «توسعه» کنکاش کرد؛ عربستان سرمایه‌های ملی مانند منابع حاصل از فروش نفت و گاز یا مازاد تجاری را به مسیر سالم و اثربخش سرمایه‌گذاری هدایت کرده و آثار توسعه‌ای آن در تمام شئون ازجمله ورزش آشکار شده و ایران، تنها شیر چنین سرمایه‌هایی را به روی مخارج جاری باز کرده است. رخدادی که شرح آن رفت، بی‌تردید تلنگری است به آینده‌ای مبهم که انتظارمان را می‌کشد؛ آینده‌ای که در نتیجه حرکت پرشتاب همسایه‌ها در مسیر توسعه و تعلل و کم‌توانی ما محتمل است و شوربختانه اینکه چندان میلی هم به تغییر آن نداریم. چنان‌که چندی پیش یکی از مدیران دولتی (مهدی غضنفری، رئیس صندوق توسعه ملی) نسبت به این چشم‌انداز تاریک هشدار داد و با واکنش شدید برخی مدافعان وضع موجود مواجه شد. غضنفری در گفت‌وگویی کوتاه و ویدئویی درباره وضعیتی به نام «استعمار توسعه‌ای» هشدار داد که در نتیجه مداومت همسایه‌ها در مسیر توسعه و تعلل ما رخ خواهد داد. به گفته غضنفری، استعمار توسعه‌ای به این معناست که کشورهای همسایه چنان پیشرفت می‌کنند که از یک سو فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی در کشور ما، مزیت خود را از دست داده و مجبور می‌شویم که بسیاری از نیازهای خود را از همسایگان تهیه کنیم و از سوی دیگر، به دلیل جذابیت و ظرفیت‌های بالای کشورهای همسایه، به مرور صاحبان کسب‌وکار و همچنین نیروی کار ماهر و نخبه ایرانی، عطای ماندن در کشور را به لقایش بخشیده و جذب این همسایه‌های توسعه‌یافته می‌شوند؛ چنین وضعیتی در بلندمدت کشور را به مستعمره‌ای تبدیل می‌کند که در نتیجه توسعه همسایگان حاصل شده و کشور را در تمام شئون گرفتار و نیازمند می‌کند. صحبت‌های غضنفری فارغ از هر نقد و نظر یا تعریف و تخریبی، دقیقا شبیه به تلنگری است که می‌تواند ما را از خواب غفلت و کوتاهی بیدار کند تا به مسیر توسعه بازگردیم. بدیهی است که فردا برای هر اقدامی دیر است. اگر امروز در حفظ منابع ملی و سرمایه‌گذاری این منابع قدمی برداریم، می‌توانیم امیدوار باشیم طی یک دهه آینده با جنبش توسعه‌ای در منطقه همراه شده و شاید سهمی از این اقتصاد بزرگ پیدا کنیم؛ اما چنانچه باز هم خود را به خواب زده و در عوض شنیدن صدای منتقدی که راهکار نیز ارائه می‌دهد، بر او بتازیم، در آینده‌ای نه‌چندان دور، نه فقط دنبال اتوبوس عربستانی بلکه حتی باید دنبال بسیاری از احتیاجات اولیه‌مان بدویم.

* مدیر حوزه ریاست و روابط‌عمومی صندوق توسعه ملی

اقتصادخوانی

کاهش تورم در افغانستان

در چند روز گذشته درباره افزایش ارزش پول افغانستان سؤال‌های زیادی مطرح شده است. طبق گزارش بانک جهانی، بهبود اقتصاد افغانستان، به‌ویژه درباره کاهش تورم و حفظ ارزش پول ملی رخ داده است. به گزارش تجارت‌نیوز، گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که نرخ تورم در افغانستان نسبت به ماه‌های گذشته کاهش یافته و ارزش افغانی (واحد پول ملی در این کشور) در برابر سایر ارزها بالا رفته است. در نتیجه، هدف اولیه بانک مرکزی افغانستان که ثبات قیمت‌های داخلی است، محقق شده و به‌درستی مدیریت شده است. همچنان معلوم شد که بخش بانکی کشور بر اثر تطبیق سیاست‌های مؤثر و محتاطانه بانک مرکزی این کشور بهبود یافته است. درعین‌حال، بانک جهانی به افزایش تولیدات داخلی کشور، ایجاد فرصت‌های شغلی، پرداخت به‌موقع حقوق و امتیازات کارمندان، ارائه خدمات شهروندی باکیفیت، افزایش صادرات و درآمد ملی افغانستان و ایجاد فرصت‌های تجاری مناسب اشاره کرده است. به نقل از الجزیره، انتشار این‌گونه گزارش‌ها که مبتنی بر ارزیابی‌ها و تحلیل‌های کارشناسی است، نشان می‌دهد که افغانستان در مسیر مثبت گام‌هایی سریع برمی‌دارد و امور اقتصادی به‌درستی مدیریت می‌شود. طبق گزارش بانک جهانی، رئیس بانک مرکزی افغانستان اطمینان می‌دهد که بانک متعهد به حفظ ثبات بخش مالی و بانکی با توجه به بهترین شیوه‌ها و استراتژی‌های نظارتی است و همچنان به اقدامات مؤثر و مفید برای کنترل تورم و حفظ ثبات افغانستان ادامه می‌دهد تا زمانی که این کشور از نظر اقتصادی شکوفا شود. یکی از صرافان کابل به الجزیره گفته است که افزایش صادرات و سیاست پولی باعث ثبات پول افغانی شده است. یک دلار درحال‌حاضر با ۸۴.۱ پول افغانی مبادله می‌شود. از طرفی عبداللطیف نظری، معاون وزیر اقتصاد افغانستان گفته است: «افزایش صادرات، حمایت از تولیدات داخلی و جلوگیری از قاچاق دلار و ثبات پول افغانی از دلایل اصلی کاهش تورم در کشور است. دلایلی که توانستیم نرخ تورم را کاهش دهیم، افزایش صادرات و کاهش قیمت مواد غذایی و سوخت بود». مولوی عبدالکبیر، سرپرست نخست‌وزیری، در نشستی با مقام‌های سابق نظامی گفت افغانستان «به‌زودی» با پیشرفت در صنایع محصولات غذایی به خودکفایی خواهد رسید. با وجود تنش‌های حاکم در افغانستان، انتظارات برای رشد اقتصادی این کشور بسیار پایین‌تر از آن بود که اتفاق افتاده است.

خبرخوانی

دور دنیا در یک دقیقه

سحر طلوعی: ما هر روز به چهار گوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

آمریکا: صفحه مرکز کارتر در شبکه اجتماعی ایکس در پستی اعلام کرد جیمی کارتر در جشنواره بادام‌زمینی در جورجیا شرکت کرده است.

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده در اواخر دهه ۷۰ میلادی، در روز اول اکتبر ۹۹ ساله می‌شود. او پس از مدت‌ها بیماری و گذراندن دوران نقاهت برای این اتفاق آماده می‌شود. کارتر در دوره‌ای از زندگی خود کشاورز حوزه بادام‌زمینی بوده است. حضور او در این جشنواره آن هم پس از هفت ماه بیماری سخت باعث تعجب اهالی جورجیا شده است.

همچنین طی پنج روز گذشته نماینده اتحادیه نویسندگان هالیوود و نماینده استودیوها موفق شده‌اند به توافق دست به پیدا کنند. با این حساب اعتصاب نویسندگان به پایان می‌رسد. پنج ماه می‌شود که اتحادیه نویسندگان هالیوود با حمایت اتحادیه بازیگران دست از کار کشیده‌اند و علیه استودیوها و کارفرماها شوریده‌اند. دعوا بر سر دستمزد نویسندگان و بازیگران و همچنین به کار گرفتن هوش مصنوعی در فرایند تولید فیلم است. این توافق در مرحله اول آزمایشی است تا جزئیات آن تأیید شود.

دانمارک: کمپانی بزرگ اسباب‌بازی دانمارکی لگو که از چندی پیش تصمیم گرفته بود از بطری‌های پلاستیکی بازیافتی برای ساخت آجرهای بازی استفاده کند، این پروژه را متوقف کرد. آنها با هدف کاهش استفاده از مواد با پایه نفت و کمک به کاهش گازهای گلخانه‌ای این پروژه را راه‌اندازی کرده بودند. اما نتیجه آن چیزی که لگو می‌خواست نشد. مسئولان این کمپانی معتقدند استفاده از بطری‌های بازیافتی در ساخت آجرها یعنی طولانی‌ترشدن فرایند تولید و افزایش کلی گازهای کربنی و در نهایت شکست پروژه.

ایتالیا: متئو مسینا دنارو ۶۱ساله در بیمارستانی در لاکویلا به آخر خط رسید. او آخرین بازمانده از نسل پدرخوانده‌های مافیاهای سیسیل بود. مسینا هرگز پشیمان نبود! مسینا از سال ۱۹۹۳ تا ژانویه ۲۰۲۳ مخفی زندگی کرده بود تا اینکه بیماری و مراجعه به بیمارستانی در پالرمو او را لو داد. پلیس در ماه ژانویه گذشته او را بازداشت کرد. اوج‌گرفتن بیماری مانع از ادامه حبس او در زندان شد و ناچار او را به بیمارستان انتقال دادند. او رهبری گروهی جنایتکار به نام کاستا نوسترا را بر عهده داشت.

آمارخوانی

چند آمار درباره مدارس

• ۱۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز در کشور داریم.
• وزیر آموزش‌وپرورش به ایسنا در روز ۳۱ شهریور گفته است: «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند. همچنین هفت هزار مدرسه در مسیر تحول، شناسایی شدند که امسال در پنج هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد».
• معاون وزارت آموزش‌وپرورش گفت: استقبال دانش‌آموزان از هنرستان‌ها افزایش یافته اما در هنرستان ظرفیت نداریم و به گزارش تسنیم، محمدمهدی کاظمی، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش در یک برنامه تلویزیونی درباره وضعیت آموزش فنی و حرفه‌ای اظهار کرده است: «در دو سال گذشته بیش از صد هزار نفر به جمعیت دانش‌آموزان هنرستانی اضافه شد و اکنون یک‌میلیون‌و ۸۸۴ هزار دانش‌آموز در هنرستان‌ها تحصیل می‌کنند». این مسئول تأکید کرده است دانش‌آموز با معدل ۱۹ و ۲۰ متقاضی ثبت‌نام در هنرستان بود اما ظرفیت برای حضورشان نبوده است.
• همچنین سهم رشته ریاضی از ۲۸ درصد به ۱۴ درصد کاهش یافت و این موضوع وضعیت علوم پایه و فنی و مهندسی کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. البته سال گذشته ۱.۸ درصد حضور دانش‌آموزان در رشته ریاضی توسعه پیدا کرده و همچنین امسال ۴۱ درصد دانش‌آموزان به شاخه فنی و حرفه‌ای هدایت شدند.
• طبق آمار ارائه‌شده از سوی این مسئول سه‌میلیون‌و ۷۶۰ هزار دانش‌آموز در دوره متوسطه اول هستند.
• ۱۲هزار معلم در حوزه کدنویسی آموزش داده شده‌اند.
• قاسم احمدی‌لاشکی، معاون حقوقی و پارلمانی وزارت آموزش‌وپرورش خبر داد میانگین کشوری سرانه فضای آموزشی، سه مترمربع به ازای هر دانش‌آموز با حالت استاندارد فاصله دارد. او عنوان کرد میانگین فضای آموزشی کشور، پنج‌و دودهم مترمربع است، درحالی‌که این رقم برای رسیدن به استاندارد باید به ۸.۳ مترمربع ارتقا یابد.
• این مسئول در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد: سرانه هر دانش‌آموز در مدرسه، ۱۱۰ هزار تومان است که به مدارس پرداخت می‌شود. مدرسه‌ای که ۲۰۰ دانش‌آموز دارد، با ۲۲ میلیون تومان چگونه می‌خواهد به دانش‌آموزان ۹ ماه آموزش کیفی ارائه دهد؟